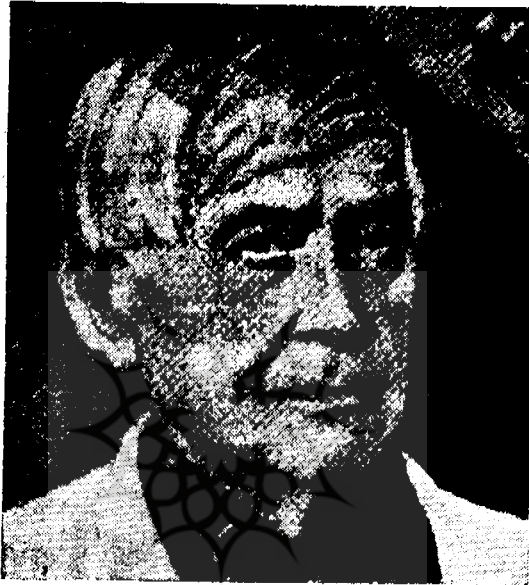


سعید نفیسی  
سخنرانی در جمعیت «آنانول فرانس»

موریس مترلینک

Maurice Maeterlinck



نویسنده معروف بلژیکی موریس مترلینک که روز ۱۶ اردیبهشت امسال یا ۶ مه ۱۹۴۹ در شهر نیس در جنوب فرانسه در کنار دریای مدیترانه در گذشت. یکی از مشهورترین مردان جهان امروز و یکی از نویسندگان پرفکر و پر سر زبان فرانسه و حتماً بزرگترین نویسنده کشور خود یعنی بلژیک بود و تاکنون در ادبیات بلژیک نامی بزرگتر از نام او ثبت نکرده اند.

مترلینک در شهرگان در ۱۸۶۲ یعنی هشتاد و هفت سال پیش متولد شد و تا روزهای آخر زندگی خود مرد خوش بنیه تن درستی بود و تنها در سال اول جنگ که پس از ورود آلمانها به بلژیک با آمریکا گریخت در نتیجه سختیها و حوادث ناگوار باختلال مشاعری گرفتار شد و یک سال در یکی از آسایشگاههای آمریکا او را معالجه کردند و سرانجام شفا یافت اما در حقیقت مختصر آثاری ازین اختلال در آنچه درین پنج شش سال آخر نوشته است گاه گاهی دیده میشود.

پدر مترلینک از ملاکان چیزدار شهرگان بود و مترلینک خود زندگی دوران کودکی

خود را در خاطراتی که اخیراً نوشته است شرح داده و محیط آن زمان را بهترین وجهی وصف کرده است .

تحصیلات خود را در شهر گان پایان رساند و دوره دانشکده حقوق را در آنجا پیمود و می خواست وارد خدمت قضایی بشود و حتی در مسابقه آن سال هم وارد شد و پذیرفته شد اما در همین وقت در سال ۱۸۸۹ اولین نمایشنامه او بنام *Princesse Maleine* انتشار یافته بود و چون عشق شورانگیزی درین نمایشنامه ظاهر کرده است اولیای وزارت دادگستری بلژیک چنین کسی را شایسته شغل شریف قضاوت ندانسته و او را نپذیرفتند و ناچار مترلینک بوگالت دادگستری آغاز کرد و تا مدتی شغل شاغل او این بود تا اینکه در ادبیات بمقام شاخص رسید و دست ازین کار برداشت بهمین جهت گاهی از اوقات در بلژیک و گاهی در فرانسه بود . از جمله افتخاراتی که نصیب مترلینک شده اینست که در ۱۹۱۳ جایزه نوبل را باو داده اند و پادشاه بلژیک هم لقب کنت باو داده است .

مترلینک در سال ۱۸۸۹ که هنوز ۲۷ سال داشت و پایان نامه دکتری حقوق خود را نگذرانده بود در ادبیات وارد شد و نخستین اثری که چاپ کرد مجموعه اشعاری بود که گلخانه‌های گسرم *Serres chaudes* نام گذاشته بود . درین اشعار مترلینک در میان محسوسات و غیر محسوسات سرگردانست و با آهنگ سحرآمیزی کلماتی را که تناسب فریبنده‌ای با یکدیگر دارند بیان میکند و خلجان روحی را که معلوم نیست چگونه رهانی خواهد یافت شرح می دهد .

هنوز افکار عمومی اروپا برای پذیرفتن سمبولیسم مترلینک درین اشعار حاضر نبود و بهمین جهت آنرا نپسندید و جلوه ای که می بایست نکرد . ناچار مترلینک بتأثیر پرداخت و در همان سال پرنسس مالن را نمایش داد ، اگر خود در مقدمه این نمایشنامه پیش دستی نکرده بود و بسیاری از افکاری را که در آن بمیان آورده بود و در منتهای سادگی برخی آنها را خطرناک می دانستند توجیه نکرده بود شاید همین نکته را مردم برین نمایشنامه میگردفتند و آن جلوه ای که می بایست نمیکرد .

از همان آغاز جوانی مترلینک روح خود را که همواره در عالم روحانی و در ماوراء طبیعت سیر میکرده است نشان داده و حتی عقیده ای را که همواره بعالم غیر مرئی *Mystique* و بقضا و قدر داشته و گاهی هم در آن مبالغه کرده و در هر صورت خیلی بیش از شکسپیر در آن بحث کرده نشان داده است . دریغ است که مترلینک با تصوف و عرفان ایرانی آشنا نشد و کسی او را متوجه این عالم بی کران و این دریای احساسات و افکار نکرد . قطعاً اگر وی باین افکار مشایخ بزرگوار ایران بی میرد روح مضطرب و بی تکلیف خود را بیشتر ازینها آرام میکرد و برای تسلیم آن خدایی بهتر از خدای محسوس خود می یافت . از حیث نگرانی و بی تکلیفی و بی خبری از آغاز و انجام جهان مترلینک شباهت عجیبی بعمر خیام دارد ، بسیار جای تعجبست که بهیچ وجه اشاره ای باین منجم معروف ایرانی در آثار خود نکرده است . شاید برای اینست که گاهی سمبولیسم مترلینک او را از افکار ساده که باعث سرگردانی جاودانی عمر خیام بوده است منحرف کرده و او را در عالم تاریک تری گردانده است و در ضمن بیهادی معتقد بوده است که حکیمی چون عمر خیام نمیتوانسته است

بدان معتقد باشد .

از سال ۱۸۸۹ که برنسس مالن را نمایش دادند تا پایان زندگی خود مترلینک ۱۷ نمایشنامه بهمین سبک سمبولیک نوشته است .

- ۱۸۸۹ در **La Princesse Maleine**
- ۱۸۹۰ در **L'intruse**
- ۱۸۹۰ در **Les aveugles**
- ۱۸۹۱ در **Les sept princesses**
- ۱۸۹۲ در **Pelléas et Mélisande**
- ۱۸۹۴ در **Alladine et Palomides**
- ۱۸۹۴ در **Intérieur**
- ۱۸۹۴ در **La mort de Tintagiles**
- ۱۸۹۶ در **Aglavaine et Selysette**
- ۱۸۹۸ در **Soeur Béatrice**
- ۱۹۰۲ در **Monna varina**
- ۱۹۰۲ در **Joyzelle**
- ۱۹۰۹ در **L'oiseau bleu**
- ۱۹۱۳ در **Marie - Magdeleine**
- ۱۹۲۱ در **Ariane et Barbe - Bleue**
- Le miracle de Saint - Antoine**
- Le Bourgmestre de Stilmonde,**

که آخرین نمایشنامه‌های اوست .

تا ۱۸۹۴ مترلینک در بیان چیزهای تاریک و مبهم و حتی هر اس انگیز و بیان حرکات و بی اختیار روح انسانی در نمایشنامه های خود منتهای زبردستی را نشان داده مخصوصاً در **La mort de Tintagiles** و **Intérieur** و **Alladine et Palomides** خود را نویسنده بسیار خوش فکرو پای بست بمبانی اخلاقی و دارای وقار مخصوص و در ضمن شاعر خوش طبعی نشان میدهد . از ۱۹۰۲ بعد در نمایشنامه‌های او تغییری ظاهر می شود و جنبه تأتدر در آنها کمتر می شود و بالعکس بر سادگی و وضوح آنها افزوده شده و نه تنها اظهار مطلب بلکه طرز بیان او هم بمراتب روشن تر میشود .

یکی از مظاهر شکفت آثار مترلینک اینست که این مرد خوش بنیه و سالم که تا سن هشتاد و هفت سالگی اغلب در منتهای تن درستی زندگی کرده است همیشه ترس عجیبی از مرگ دارد و همه جادو آثرا و مرگ در پشت پرده حوادث چنگال خود را نشان میدهد و بهمین جهت **La mort de Tintagiles** یا **Alladine et Palomides** که درامهای عاشقانه است عشق و مرگ با هم همسوسند و پنجه در پنجه افکنده اند . حتی در **Aglavaine et Selysette** می گوید :

خیلی دلم میخواست که مرگ قسمتی از نیرو و قدرت خود را بمشق و عقل بسا

بخوشبختی بدهد اما او فرمان مرا نپذیرفت. آهنگ ساز معروف Claude Debussy برای Pelléas et Mélisande آهنگهای معروفی ساخته و آنرا بصورت اپرادر آورده و بدین وسیله جبران روح مضطرب و آشفته مترلینک رامیکند و بهمین جهت این درام شاهکار واقعی شده و شاید بهمین جهت است که در میان همه آثار مترلینک که قهرمانان آنها گرفتار قضا و قدر و سر نوشت مقدر خود هستند تنها درین درام موجودی که اراده و اختیاری از خود دارد دیده میشود.

تردید نیست که از میان همه درامهای او L'Oiseau Bleu که بنام پرندۀ آبی بفارسی ترجمه شده معروف تر و جالب تر است. این درام سمبولیک معروف را آقای عبدالحسین نوشین هنرپیشه زبردست با ذوق ما در ۱۳۱۸ بفارسی ترجمه کرده و در مجله موسیقی در شماره های ۷ تا ۱۰ سال اول چاپ کرده اند و سپس در زمستان گذشته در تئاتر فردوسی با وضع بسیار جالبی نمایش داده اند.

اگر در نظر بگیریم که نمایش Oiseau Bleu در اروپا هم کار بسیار مشکلی بوده و بسیاری از تئاترهای بزرگ از عهده آن بر نیامده اند همین نکته افتخار بزرگی برای هنر امروز ایران و مردان هنر نما و هنرمند کشور ماست.

موضوع پرندۀ آبی موضوع بسیار شاعرانه است و شاید لطیف ترین و بر مغز ترین موضوعهای درامهای مترلینک باشد. آدمی زاد در پی خوشبختی موهوم و ناشناس و نامحسوسی که پرندۀ آبی باشد میگردد و پس از آنکه همه لذایند و شهوات را يك يك میسند و می بیند و برو مسلم میشود که پرندۀ آبی که در پی آنست هیچ يك از اینها نیست، سرانجام آن پرندۀ گریز پای تیز بر را در کنج قفس در خانه خود مییابد.

عجیب تر از همه اینست که در نمایش این درام معروف هنرپیشه با ذوق و مشهور تئاتر Opéra - Comique پاریس Georgette Leblanc که از بچگی شیفته اشعار مترلینک بود مهمترین رل آنرا بازی میکرد و با وجود اختلاف بسیاری که در میان سن مترلینک و او بود یعنی سی سال نویسنده بزرگ که خود بیش از همه کس در جهان در پی پرندۀ آبی گشته و او را نیافته بود آن پرندۀ را در همین بین یافت و با ژرژت لوبلان عقد زناشویی بست و بدین وسیله خیال شاعر - برای اینکه نگوییم خواب او - تعبیر شد.

گذشته از شعر و تئاتر مترلینک در پرورانندن افکار حکیمانه شراز نویسنده گان بزرگ زمان حاضر بشمار رفته است. تخصص او در این زمینه نوشتن مباحث کوتاهیست که بفرا سنه Essai میگویند و مجموعه آنها کتابهای معروف او را فراهم میکنند گاهی هم سراسر کتاب در یک موضوع است. چهار کتاب معروف او: زندگی زنبورهای عسل La vie de abeille در ۱۹۰۱ و هوش گلها L'intelligence des fleurs و زندگی موریانه La vie des termites در ۱۹۲۰ و زندگی موریانه La vie des fourmis در ۱۹۳۰ است که نتیجه مطالعات دقیق او در عالم حیوانات و نباتات است.

مترلینک برای نوشتن این چهار کتاب مدتهای مدید در برابر کندوی زنبور عسل و لانه موریانه و مورچه و در برابر بوته های گل نشسته و نشوونمای آنها و حالات ساعت ها و

فصلهای مختلف آنها را مطالعه کرده است. کتاب های دیگر او درین زمینه های فکری عبارتست از :

- Trésor des humbles در ۱۸۹۶
- La sagesse et la destinée در ۱۸۹۸
- Le temple enseveli در ۱۹۰۲
- Le double jardin در ۱۹۰۴
- La vie de l'espace در ۱۹۲۸
- La grande féerie در ۱۹۲۹
- Avant le grand silence در ۱۹۳۴
- Le sablier در ۱۹۳۶
- L'ombre des ailes در ۱۹۳۶
- و Devant Dieu و Autre monde در ۱۹۳۷
- L'accident و Delués de la guerre و Le pardon des injures

آخرین کتابهای او درین زمینه است. در همه این کتابها چیزی که قابل انکار نیست اینست که مترلینک زبان بسیار فصیح و پخته ای را بکار برده و تردیدی نیست که هیچک از نویسندگان بلژیکی بخوبی او فرانسه را نتوانسته اند.

خاصیت دیگر او بیان شاعرانه اوست که همیشه لطف کلام را در کمال خوبی میسروراند. در این کتابها مترلینک همواره میکوشد روح را بیدار کند و عقیده دارد که در بسیاری از شاهکارهای ادبی روح نیست و برای این کار از نویسندگان *Mystique* گذشته یاری گرفته و از جمله *Emerson* نویسنده امریکائی و *Novalis* شاعر آلمانی و *Ruysbroek (roeis-brouck)* شاعر فلامان را بیش از دیگران سرمشق قرار داده و حتی آثار آنها را ترجمه کرده است.

خود میگوید پیروی از دستور کارلایل نویسنده انگلیسی کرده و درسکوت فرو رفته تا دوباره در آنجا بانگهای بلند نیکی های نا پیدای زندگی پرمنزلی را بشنود و همین سبب خواهد شد که بسرچشمه فجایع روزانه و زیباییهای درونی پی ببرد. در اظهار این افکار مترلینک بیان جاذب و آمرانه ای دارد که همه را قانع می کند. اما گاهی در برابر عقاید پیشینیان سرگشته و حیران میماند و بی تکلیفی خود را بدین گونه اظهار میکند. « همیشه زیباترین حقیقت ها بر حقیقت های ساده و کهنه تر غالب نمی شوند. »

در کتاب *La sagesse et la destinée* نفوذیکی از قدیم ترین نویسندگان اخلاقی جهان قیصر *Marc-Aurèle* معروف دیده میشود. در یک جای این کتاب میگوید: « هر زندگی درونی در موقعی که هوش بحد بلوغ میرسد شروع نمیشود بلکه در موقعی شروع میشود که روح بنیکوکاری انس بگیرد. درین جا نیز عقیده قطعی بسر نوشت و قضاو قدر دارد و میگوید: « سر نوشت نه بجاست و نه بی جا فقط ما را دعوت میکند خود در باره خویشتن قضاوت کنیم و از اراده پنهانی زندگی پیروی کنیم تا اینکه باین نتیجه برسیم که هر چه پیش بیاید همان خوش وقتی خواهد بود. » این گفتار مترلینک شباهت عجیبی با

این مثل قدیم زبان فارسی دارد که هر چه پیش آید خوش آید .  
 در همه این مباحث گاهی مترلینک از عالم روحانی به عالم جسمانی و مادی هم میگرداند  
 و به ظاهر مختلف تمدن جدید مانند قمار و اتومبیل رانی و شمشیر بازی و مشت زنی میبردازد  
 و یک نوع روان شناسی علم هم بکار میبرد و از همه شگفت تر اینکه روح جاودانی را با وظایف  
 اجتماعی امروزی توأم میکند و حتی این جمله آمرانه را ادامه می کند : « برای کسانی که  
 چیزی دارند تنها یک وظیفه حتمی است و آن اینست که هر چه دارند از خود جدا کنند تا شبیه  
 بتوده ای شوند که هیچ ندارد .»

در باره عشق عقیده ای خاص اظهار کرده و بهترین بیان آن این جمله معروف اوست  
 در **Double jardin** که میگوید « دوستی بی عشق مانند عشق بی دوستی دونیم  
 خوشبختی اند که حزن بشر را فراهم میکنند .»

در جنگ گذشته مترلینک با همسر خود بآمریکا رفت و تمام مدت جنگ در آنجا بسر  
 برد و در این مدت تا وقتی که حال روحی او اجازه میداد دقیقه ای از خدمت بکشور خود  
 و دفاع از منافع بلژیک خاموش نشست و درام **Bourgmestre de Stilmonde**  
 را بهمین نیت نوشته و کتاب **Délués de la guerre** او نیز بیان همین مطلب است  
 اما این نکته را نباید فراموش کرد که مترلینک هم مانند برخی از مردان بزرگ در برابر  
 حوادث ناگوار از پای درآمد و اعتدال فکری خود را از دست داد زیرا که روح **mystique**  
 و مضطرب و نگران او از آغاز وی را برای اینحال مهیاساخته بود . این حوادث روز بروز  
 او را بیاوراء طبیعت و به عالم خیالی نزدیک تر میکرد و بهمین جهت در پایان عمر خود گاهی  
 مانند کشیش یا **Spiritistes** ها سخن رانده است و این همان حالتیست که دو تن  
 دیگر از مردان بزرگ اروپا هم در پایان زندگی شان داده اند : کامیل فلاماریون  
**Camille Flammarion** نویسنده و منجم معروف فرانسوی و **Conan Doyle**  
 رمان نویس معروف انگلیسی . دانشمند بزرگ **Pasteur** هم در روز آخر زندگی خود  
 چند ساعتی درین حال بوده و بچلیبیا و کشیش متوسل شده است . هر چه باشد مردان بزرگ  
 هم از رگ و پوست و گوشت و بی و استخوان ناتوان و ناپایدار ساخته شده اند و باید این  
 گونه ناتوانی ها و سستی های روزهای آخر زندگی را در ایشان بدیده اغماض نگریست .  
 از آثار مترلینک بجز پر نده آبی چیزی مستقلاً و سراسر بزبان فارسی ترجمه نشده و تنها  
 آقای ذبیح الله منصورى برخی افکار او را ازین کتابهای مختلف او التقاط کرده و بعنوان  
 « اندیشه های یک مغز بزرگ » در سه جلد و « افکار مترلینک » در یک جلد و مورچگان در  
 جلد دیگر انتشار داده است .

درین روزها چند مقاله در شماره های آخر مجلات فارسی انتشار یافت از آن جمله در  
 شماره آخر مجله جهان نو در شماره آخر اطلاعات ماهیانه و شماره ۱۳۲ اخبار هفته چاپ  
 آبادان و در پنجم شماره آخر خواندنیها و حتی امروز هم در **Journal de teheran**  
 مقاله خوبی بامضای آقای شاهین سرکیسیان بود . در هر صورت بحث در باره مترلینک خیلی  
 بیش از اینها وقت میخواهد و من بیش از این وقت خانمها و آقایان را تقصیر نمیکنم و از  
 توجهی که نسبت باین موضوع کرده اند متشکرم .